هرگونه تعرض مجدد به خاک ایران، با پاسخی نامتقارن، ویرانگر و بدون هیچ گونه محدودیت جغرافیایی روبرو خواهد شد

ایران در کمین حماقت دوباره قمارباز

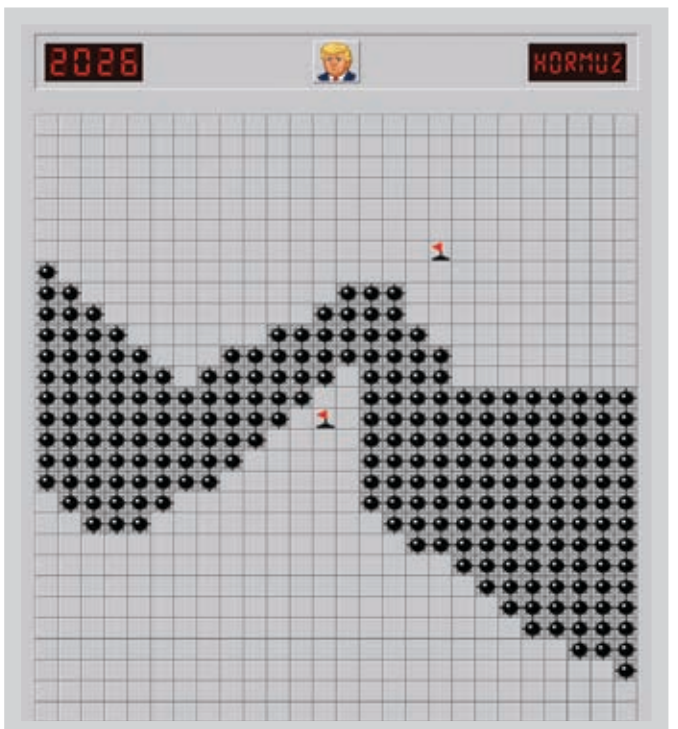

گروه سیاسی

گزارش جامع و تحلیلی: تثبیت موازنه جدید قدرت در غرب آسیا؛ افول هژمونی آمریکا و استیصال کابینه ترامپ در برابر اراده پولادین مقاومت اسلامی

جهان در ماه‌های اخیر شاهد یکی از مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و سرنوشت‌سازترین پیچ‌های تاریخی در معادلات ژئوپولیتیک غرب آسیا و بلکه در ساختار کلی نظام بین‌الملل بوده است. تجاوز بزدلانه، غیرقانونی و از سر استیصال ائتلاف تروریستی ایالات متحده آمریکا و رژیم نامشروع و جعلی صهیونیستی در اواخر ماه فوریه سال جاری میلادی (۲۰۲۶)، که با توهمات احمقانه و تحت عنوان برطمطراق «هالیوودی و پوشالی «عملیات خشم حماسی» آغاز شد، در خیال خام طراحان آن قرار بود ضربه‌ای مهلک، غافلگیرکننده و نهایی بر پیکره جبهه حق و قلب تپنده مقاومت اسلامی وارد آورد. دشمنان قسم خورده اسلام و ایران عزیز، به سرکردگی دولت متزلزل، غیرقابل پیش‌بینی و به شدت جنگ‌طلب دونالدترامپ، در یک محاسبه سراسر اشتباه، ابلهانه و ناشی از فقدان درک تاریخی، گمان می کردند که با توسل به تروریسم کور دولتی، حملات ناجوانمردانه هوایی و هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی، پایگاه‌های نظامی و رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی، می‌توانند اراده پولادین و روسوخ‌ناپذیر ملت غیور ایران را در هم شکسته و توانمندی‌های دفاعی، بازدارنده و بومی جمهوری اسلامی را در یک چشم به هم زدن نابود سازند. با این وجود، تحولات میدانی و سیاسی هفته‌های پس از این حماقت تاریخی، نه تنها توهمات واهی و محاسبات کاغذی محور شرارت را نقش بر آب کرد، بلکه یارادایم جدیدی از قدرت، صلابت و بازدارندگی فعال را در منطقه تثبیت نمود که واشنگتن و تل آویو را در یک فلج استراتژیک، سردرگمی عمیق و وحشت بی سابقه فرو برده است. پاسخ قاطع، فوری، ویرانگر و چندوجهی نیروهای مسلح شجاع و جان برکف جمهوری اسلامی ایران، که آتش خشم الهی را در قالب رگبار موشک‌ها و پهپادها بر سر پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی و پادگان‌های اشغالگران آمریکایی در سراسر منطقه فروریخت، به صراحت و با صدای رسا ثابت کرد که دوران «بزن و دررو» برای همیشه و بدون بازگشت به زباله‌دان تاریخ پیوسته است. امروز، در شرایطی که در یک آتش‌بس شکننده و پرالتهاب به سر می‌بریم، برتری مطلق راهبردی در دستان پرتوان تهران قرار دارد و در مقابل، ائتلاف متجاوز آمریکایی-صهیونیستی خود را در باتلاقی خودساخته گرفتار می‌بیند؛ باتلاقی که نه تنها بحران اقتصادی بی‌سابقه‌ای را به اقتصاد جهانی و مشخصا به جامعه مصرف‌گرای آمریکا تحمیل کرده است، بلکه آن‌ها را در برابر یک «محور مقاومت» متحد، منسجم، هماهنگ و شکست‌ناپذیر، به شدت خوار و ذلیل ساخته است.

ریشه‌های بن‌بست کنونی و استیصال غیرقابل کتمان محور غربی را باید در کوری استراتژیک، غرور کاذب و فقدان فهم عمیق نهادهای سیاسی، اطلاعاتی و نظامی آمریکا از واقعیات میدانی و جامعه‌شناختی ایران جست‌وجو کرد. دولت ترامپ، که هم‌واره تحت تاثیر مشاوران افراطی و لابی‌های شیطانی و نفوذ پول‌های کثیف رژیم صهیونیستی تصمیم‌گیری می‌کند، انسجام درونی، پیوند عمیق و ناگسستنی امام و امت، و همچنین آمادگی حیرت‌انگیز ظرفیت‌های نهفته نظامی جمهوری اسلامی را به یک شکلی فاجعه‌بار و مرگبار اشتباه محاسبه کرد. زمانی که نیروهای مشترک شیطان بزرگ و سگ هار آن در منطقه، حملات ناجوانمردانه هوایی و هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی، پایگاه‌های نظامی و رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی، می‌توانند اراده پولادین و روسوخ‌ناپذیر ملت غیور ایران را در هم شکسته و توانمندی‌های دفاعی، بازدارنده و بومی جمهوری اسلامی را در یک چشم به هم زدن نابود سازند. با این وجود، تحولات میدانی و سیاسی هفته‌های پس از این حماقت تاریخی، نه تنها توهمات واهی و محاسبات کاغذی محور شرارت را نقش بر آب کرد، بلکه یارادایم جدیدی از قدرت، صلابت و بازدارندگی فعال را در منطقه تثبیت نموده